

# رعایت احترام حضرت زهرا(س)



امد عابدینی

## مقدمه

قرآن کتاب خداوند و معجزه جاوید اوست. در این کتاب نه تنها از گفته‌ها و بیان شده‌ها می‌توان مطالب فراوانی فهمید بلکه برخی موارد، نگفته‌هایش نیز پیام دارد که باید آن پیام‌ها را با قرائن مختلف استخراج کرد.

از جمله این که در جاهای مختلف وقتی نعمت‌های بهشتی را بیان می‌کند از «حور العین» سخن گفته ولی در سوره انسان از حور العین سخنی به میان نیاورده است، علت چیست؟

از جمله علت‌هایی که برای این عدم ذکر بیان کرده‌اند، وجود شریف حضرت زهرا(س) در شأن نزول آیات این سوره است که احترام به وی موجب گشته نامی از حور العین برده نشود.

اثبات یا رد این سخن مستلزم بحث‌های ذیل است.

۱. سوره هل اتی مدنی باشد.

۲. شأن نزول آیات این سوره، بیماری حسنین(ع) و نذر والدینشان برای خوب شدن

آنان و... باشد.

۳. قرآن همان گونه که در بیاناتش به لطائف زیادی توجه دارد در آنچه که بیان نکرده

نیز قصد و غرض داشته است .

۴ . ذکر «حور العین» - به گونه ای - رعایت نکردن حریم حضرت زهرا(س) بوده است .

۵ . اطمینان از وجود یا عدم وجود روایتی در این باره .

### بررسی سوره هل ائی

از اموری که ادعا شده ولی تصدیق یا ردش نیاز به تحقیق دارد این است که ذکر نشدن «حورالعین» در سوره «هل ائی» به این جهت است که چون برخی از آیات این سوره مربوط به نذر حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) می باشد . آن گاه برای رعایت حریم حضرت زهرا(س) خداوند در بیان نعمت های بهشتی در این سوره سخنی از حور العین به میان نیاورده است .

ممکن است کسی تصور کند که این مطلب تنها از راه روایات قابل اثبات است و با بودن روایت یا روایتی در این باره مطلب ثابت می شود و گرنه خیر .

ولی باید توجه داشت که اگر این سوره مکی باشد یا شأن نزولش ربطی به نذر حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س) نداشته باشد و یا ... با وجود روایت یا روایتی در این باره ، نمی توان نکته ای را پیرامون رعایت حریم آن حضرت استفاده کرد .

و باز اگر کسی مبنأ معتقد باشد که قرآن تنها بیانش هدایت است ولی ناگفته هایش ، بدون وجه و دلیل است . باز نمی توان چیزی در رابطه با رعایت حریم حضرت زهرا(س) مرضیه استفاده کرد . زیرا در این صورت اگر روایت یا روایتی هم داشته باشیم ، استفاده از روایات است ، ولی آن استفاده را نمی توان به قرآن مستند ساخت .

اما اگر برعکس باشد یعنی ثابت شود که سوره هل ائی مدنی است و برخی از آیاتش مربوط به حضرت زهرا(س) است و مبنأ پذیریم که ناگفته ای کلام الهی خودش گفته های فراوانی دارد آن گاه حتی اگر هیچ روایتی در این باره نداشته باشیم . صرف نیامدن لفظ حورالعین در این سوره و آمدنش در سوره های دیگری که نعمت های بهشتی را توصیف می کند ، به خودی خود این نکته را در ذهن تقویت می کند که وجه نیامدن این نعمت بهشتی رعایت، حریم حضرت زهرا(س) است و کسی که این برداشت را نپذیرد باید توجیهی پذیرفتنی تر برای نیامدن لفظ «حور العین» در این سوره بیاید .

قبل از تحقیق در مواردی که ذکر شد، بیان این نکته ضروری می‌نماید که چه بسا در تحقیق، انسان به نقطه مطلوب نمی‌رسد ولی نفس تحقیق، راه را برای محققان بعدی هموار می‌سازد یا راهی فرا روی آنان می‌گشاید. پس نیافتن جواب قطعی در برخی موارد یا یقین به وجود نداشتن سخنی یقینی نباید مانعی فرا روی تحقیق تلقی شود، بلکه هر کسی باید در حد توان و استعداد خود، قرینه‌های یک کاوش را فراهم سازد تا بالاخره یک طرح، تئوری احتمالی یا... به یکی از دو سر منزل اثبات یا رد برسد.

### زمان نزول سوره هل اتی

بر طبق جدولی که دکتر محمود رامیاد در آخر کتاب تاریخ قرآن، تنظیم کرده است سوره هل اتی از نظر ترتیب نود و هشتمین سوره طبق ترتیب مصحف الازهر، نود و ششمین طبق ترتیب علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>، نودمین طبق ترتیب مقاتل از امیرالمؤمنین، و طبق دو نظر از ابن عباس نود و هفتمین و طبق نظر دیگری از او نود و چهارمین، و طبق تنظیم ابن ندیم هفتاد و نهمین، می‌باشد. که مسلماً در مدینه نازل شده است و پس از سوره‌هایی چون آل عمران، نساء، رعد و احزاب نازل شده است.

اما طبق تمامی نقل‌ها قبل از سوره فتح نازل شده است زیرا شماره‌های نزول سوره فتح طبق همان ترتیب عبارتند از:

فتح: ۱۱۱، ۱۰۹، ۱۰۶، ۱۱۱، ۹۱، ۱۰۷، ۹۹، ۱۱۱

انسان: ۹۸، ۹۶، ۹۰، ۹۷، ۹۷، ۹۴، -، ۷۹

احزاب: ۹۰، ۸۸، ۸۴، ۸۹، ۸۸، ۸۸، ۸۹

که طبق ۶ ترتیب از آنها سوره فتح پس از نازل شدن سوره انسان و ده سوره دیگر نازل شده است و نیز طبق همین نقل‌ها سوره انسان حدوداً پس از حدود ده سوره پس از سوره احزاب نازل شده است، که با این حساب وقتی سوره فتح در آخر سال ششم یا اوایل سال هفتم و در جریان صلح حدیبیه نازل شده باشد و سوره احزاب اواخر سال پنجم یا اوایل سال ششم<sup>۲</sup> نازل شده باشد، سوره انسان در سال ششم هجری نازل شده است.

با این حساب در آن زمان امام حسن و امام حسین<sup>(ع)</sup> متولد شده بوده‌اند و اولی عمری در حدود سه سال و دومی عمری در حدود دو سال داشته، زیرا تولد امام حسن<sup>(ع)</sup> در ماه

رمضان سال سوم هجری<sup>۳</sup> و تولد امام حسین در شعبان سال چهارم هجری بوده است.<sup>۴</sup> بنابراین نذر حضرت زهرا(س) و علی(ع) می‌تواند واقعیت داشته باشد یعنی ممکن است آنان برای سلامتی اطفالشان به پیشنهاد برخی از صحابه یا خودشان نذر کرده باشند که سه روز یا بیشتر روزه بگیرند.

اما این که در روزه‌گیری، حسن و حسین(ع) هم شرکت کرده باشند مسأله‌ای است که بسیار بعید می‌نماید زیرا روزه گرفتن طفلی دو ساله یا سه ساله معنایی ندارد. تازه دلیل ندارد که طفل بیمار که تازه از بیماری بهبود یافته بدون الزام شرعی و یا حتی استحباب آن اقدام به روزه‌گیری نماید. پس این که در برخی تفاسیر و قصه‌ها<sup>۵</sup> آمده که حسین(ع) نیز همراه با والدینشان روزه گرفته‌اند، از شائبه اغراق خالی نیست، بلکه ممکن است آنان گفته باشند ما هم نذر می‌کنیم ولی نذر کسی که توان ندارد منعقد نیست. علاوه بر این که اجازه پدر، در صحت نذر فرزند دخالت دارد و مسلماً حضرت علی(ع) اجازه نمی‌دهد بچه‌های دو - سه ساله‌ای که تازه از بیماری شفا یافته‌اند روزه بگیرند.

بنابراین نزول سوره در مدینه و امکان نذر حضرت زهرا و شوهرش(ع) اثبات شد اما واقع شدن چنین نذری در گرو بررسی شأن نزول‌های این سوره و روایات می‌باشد.

### شأن نزول‌های سوره هل اتی

۱. در تفسیر علی بن ابراهیم که شیعی و جزء قدیمی‌ترین تفسیرهای شیعه است، علی بن ابراهیم از پدرش از عبدالله بن میمون قدامی از حضرت صادق(ع) نقل کرد که:

كان عند فاطمة عليها السلام شعير فجعلوه عصيدة، فلما انضحوها ووضعوها بين ايديهم جاء مسكين . فقال المسكين : رحمكم الله اطعمونا مما رزقكم الله . فقام علي(ع) فاعطاه ثلثا . فما لبث ان جاء يتيم ، فقال اليتيم : رحمكم الله اطعمونا مما رزقكم الله . فقام علي(ع) فاعطاها ثلثها الثاني . فما لبث ان جاء اسير ، فقال الاسير رحمكم الله اطعمونا مما رزقكم الله . فقام علي(ع) فاعطاه الثلث الباقي . و ما ذاقوها فانزل الله فيهم...<sup>۶</sup>

نزد حضرت زهرا(س) مقداری جو بود که با آن کاجی درست کردند، هنگامی که آن را پختند و برای خوردن جلوی خود گذاردند مسکینی آمد و گفت: خدواند رحمتتان

کند از آنچه خدا روزیتان کرده به ما بخورانید . حضرت علی (ع) برخاست و یک سوم آن را به وی داد . هنوز نرفته بود که یتیمی آمد و گفت : خداوند رحمتتان کند از آنچه خدا روزیتان کرده به ما بخورانید . حضرت علی (ع) برخاست و یک سوم دوم را به او داد . هنوز نرفته بود که اسیری آمد و گفت : خداوند رحمتتان کند از آنچه خدا روزیتان کرده به ما بخورانید . حضرت علی (ع) برخاست و یک سوم باقیمانده را به او داد و خودشان اصلاً از آن نچشیدند .

این شأن نزول نشان می دهد که غذا کاجی بود و در یک شب یا یک عصر مسکین و یتیم و اسیر آمده اند بنابراین احتمال روزه ای که آنان نذر کرده اند یک روز بوده است ! و از غذایی که برای خودشان چهار نفر علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین تهیه کرده بودند سه نفر را سیر کرده اند و خودشان گرسنه مانده اند .

## ۲ . مرحوم طبرسی در مجمع البیان نقل کرده که :

إن الأبرار يشربون تا آية كان سعيكم مشكوراً، در مورد علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) و فضه نازل شده است و خلاصه این که حسنین مریض شدند ، پیامبر (ص) و بزرگان به دیدنشان آمدند و گفتند ای ابوالحسن کاش برای بچه های نذری می کردی ، به همین جهت حضرت نذر کرد که اگر خداوند شفایان داد سه روز روزه بگیرد و فاطمه (س) نیز همین گونه نذر کرد و فضه نیز همین طور ، بچه ها خوب شدند . حضرت چیزی در خانه برای خوردن نداشتند ، به همین جهت سه صاع [نه کیلو] جو از فردی یهودی قرض گرفت و طبق برخی روایات گرفت تا فاطمه در عوض برای یهودی پشم بریسد .

آنها را به خانه آورد ، فاطمه یک صاع آن را آرد کرد و نان پخت و وقتی حضرت علی (ع) نماز مغرب را خواند غذا را جلو آورد تا بخورند که مسکینی آمد و درخواست کرد . حضرت علی (ع) طعام را به او داد و از آن نچشیدند و با آب افطار کردند در روز دوم حضرت زهرا (س) صاع دومی برداشت و نان پخت و نزد علی (ع) آورد که یتیمی دم در غذا می خواست و غذا را به او دادند و از آن نچشیدند . روز سوم حضرت زهرا (س) سومین صاع از جو را آرد کرد و نان پخت و شب هنگام اسیری آمد و غذا را به او دادند و از آن نچشیدند . روز چهارم حضرت علی (ع) دست

حسین را گرفت و آنان را نزد پیامبر (ص) آورد در حالی که نذر خود را انجام داده بودند و... آنگاه آیات نازل شد.<sup>۷</sup>

معمولاً نقل‌ها در این جهت مختلف است که آیا حضرت علی (ع) سه صاع جو قرض گرفت یا خودش را اجیر قرار داد و مزد گرفت. هر چه باشد ناداری حضرت علی (ع) و سه روز روزه گرفتن حضرت علی (ع) و زهرا (س) و فضه و دادن تمامی غذای هر سه شب به یتیم و مسکین و اسیر از این داستان برمی آید.

اما سؤالی که باقی می ماند این است که: صاع سه مد طعام است و برای خوراک یک فرد، یک مد کافی است آن گاه چرا در هر سه شب حضرت علی (ع) تمامی غذا را به یک نفر داد، در حالی که ثلث این طعام برای آن فرد کافی بود؟!

به همین جهت به نظر می رسد در بیان کمی تحریف شده باشد و حق با روایت علی ابن ابراهیم باشد که در یک شب غذا را سه ثلث کرد و به سه نفر داد.

از سوی دیگر بعید است حضرت علی (ع) در حالت ناداری برای سه روز خود استقراض کند. او برای یک روز قرض می کند تا روز دیگر خدا روزی آن را برساند.

۳. نظیر همین شأن نزول را زمخشری در کشاف نقل کرده است.<sup>۸</sup> و عبارتش تقریباً به وهم می اندازد که حسن و حسین (ع) نیز روزه گرفته اند.

۴. در تفسیر الدر المنثور از ابن عباس نقل شده که «و یطعمون الطعام علی حبه» در شأن حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) نازل شده است.<sup>۹</sup>

یادآوری: برخی از مفسران اهل سنت خواسته اند در شأن نزول مناقشه کنند با این بیان که سوره از اولش عام است و مثل این جور آیات را نمی توان مخصوص شخص واحدی دانست.<sup>۱۰</sup>

ولی می توان جواب داد که چه اشکالی دارد که در عین داشتن شأن نزول، عام باشد و به عبارت دیگر شأن نزول مخصوص نیست و از آیات می توان نکات عام فهمید زیرا آیات قرآن معمولاً چند منظوره است. به این مثال توجه کنید: تسبیح هایی که از کربلا می آورند تربت امام حسین (ع) است، صد دانه ای است و برای ذکر تسبیحات حضرت زهرا (س) می باشد و روی هر دانه آن یک یا حسین نوشته شده است. حال اگر به مرور زمان نام «یا حسین» ساییده شد و از بین رفت، باز تسبیح کاربرد خود را دارد. باز اگر دانه هایش

شکست، فایده تربیت امام حسین<sup>(ع)</sup> بودن را دارد.

آیات قرآنی نیز همین گونه است در حالی که کلی است و ثمرات نذر و کار برای خدا مشخص می کند و درجه ابرار را معلوم می دارد و در عین حال از نذری که منعقد شده و اطعامی که انجام شده است خبر می دهد و تجلیل می کند.

بنابراین وقتی که امکان شأن نزولی مطرح بود و اخباری از هر دو گروه سنی و شیعه بر آن دلالت می کرد عذری برای نپذیرفتن آن موجود نیست، بلکه برخی استبعادات عقلی و عرفی موجود است که با دقت می توان آن استبعادات را پیدا کرد و نفی کرد اما کل شأن نزول را زیر سؤال نبرد.

مثلاً روزه گرفتن خود حسن و حسین<sup>(ع)</sup> با سنین دو یا سه سالگی، امر مستبعدی است و نیز غذای پنج نفر را به یک نفر دادن، امر مستبعدی است و سه روز روزه بدون هیچ گونه غذا امر مستبعدی است. حال اگر شأن نزول نقل شده از تفسیر علی بن ابراهیم قمی که در شماره ۱ ذکر شد در نظر گرفته شود هیچ یک از این استبعادها پیش نمی آید. به هر حال آنچه تا حال در صدد بیان آن بودیم این است که آیات سوره دهر با حضرت زهرا<sup>(س)</sup> نسبتی داشته است و اجمالاً حضرت نذری کرده اند و در آن رابطه به مسکین، یتیم و اسیر اطعام نموده اند.

حال به مرحله بعدی می رسیم و آن این است که بهشتیانی که کار ویژه انجام داده اند، به نعمت های ویژه ای از جمله حورالعین، پسران بهشتی، شراب های گوناگون، ظرف ها و لباس های بی نظیر وعده داده شده اند. ولی در این سوره استثناء سخنی از حورالعین بکار نرفته است، چرا؟ بحث این که آیا این نعمت ها به همین گونه ای که در دنیا تصور می کنیم می باشد یا بیان های قرآنی تشبیه و تنظیر است را به فرصت دیگر موکول می کنیم ولی اجمالاً با توجه به آیاتی نظیر: **لهم ما يشاءون فيها و لدینا مزید**؛ (ق، ۳۵/۵۰) هر چه بخواهند در آن جا برای آنان فراهم است و نزد ما افزون بر آن نیز هست. و احادیثی که نعمت ها بهشتی را با الفاظ «لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر» توصیف می کند و نیز آیاتی که پهنای بهشت را از تمامی آسمان ها و زمین بیشتر می داند معلوم می شود که آنچه پیرامون نعمت های بهشتی ذکر می شود با زبان ماست تا ما بدانیم هر آنچه که تصور کنیم و بخواهیم در آنجا موجود است.

بنابراین نیامدن ذکر حورالعین در جایی با نیامدن برخی نعمت‌های دیگر نقصی در بیان خداوند ایجاد نمی‌کند زیرا آنچه را قرآن در صدد بیان آن بوده - یعنی برتری نعمت‌های بهشتی نسبت به خواست و تصور انسان‌ها - به بهترین بیان رسانیده شده است .  
از این رو تنها چرایی آن باقی می‌ماند نه این که بهشت‌ها با هم متفاوت باشد یا به برخی حورالعین بدهند و به برخی ندهند .

اما آیاتی که نعمت‌های بهشتی همراه با ولدان مخلدودن و غلمان را بیان می‌کند عبارتند از :

### ۱ . سوره دخان آیات ۵۱ تا ۵۷

به یقین تقوا پیشگان در جایگاهی امن قرار دارند . در باغ‌ها و کنار چشمه سارها . از لباس‌های دیبای نازک و دیبای سبزر می‌پوشند و رو به روی هم نشسته‌اند . این گونه است و زنانی سیمین تن و فراخ چشم را جفت آنان می‌سازیم . در آنجا هر میوه‌ای را آسوده خاطر طلب می‌کنند . در آنجا جز مرگ نخستین طعم مرگ را نخواهند چشید و آنان را از عذاب آتش شعله‌ور مصون می‌دارد . [اینها همه] بخششی است از جانب پروردگارت . این است کامیابی بزرگ .

### ۲ . سوره طور آیات ۱۷ تا ۲۶

همانا تقوا پیشگان در باغ‌ها و نعمت‌هایی فراوانند به آنچه پروردگارشان به آنان داده شیرین‌کامند . و پروردگارشان آنان را از عذاب آتش برافروخته مصون داشته است . بخورید و بیاشامید گوارایتان باد [این] در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید . [این] در حالی است که بر تخت‌هایی ردیف هم تکیه کرده‌اند و آنان را با حوریانی فراخ چشم قرین کرده‌ایم . و کسانی که ایمان آورده و فرزندان‌شان در ایمان از آنان پیروی کرده‌اند فرزندان‌شان را به آنان ملحق می‌سازیم و از عمل‌شان هیچ نمی‌کاهیم و هر کسی در گرو دستاورد خویش است . و از هر نوع میوه و گوشتی که دلخواه‌شان باشد پی در پی به آنان عطا می‌کنیم . و در آن جا جام باده را از دست یکدیگر می‌کشند به گونه‌ای که نه در آن یاهه گویی است و نه گناه .

و نوجوانانی که مخصوص آنان است بر گردشان می‌گردند گویی آنان [از درخشندگی] مروارید نهفته [در صدف] اند . و برخی از آنان به برخی دیگر روی می‌آورند و [از گذشته



یکدیگر [ می پرسند . [ و در پاسخ یکدیگر ] می گویند : ما پیش تر در میان خانواده خود [ از عذاب خدا ] بیمناک بودیم .

### ۳ . سوره الرحمن از آیه ۴۶ تا ۷۶

همه در وصف بهشت و بهشتیان است که خلاصه اش چنین است :

و برای هر کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ خواهد بود دارای درختانی پر شاخه و با طراوت . در آن دو ، دو چشمه روان است در آن دو از هر میوه ای دو نوع وجود دارد . در حالی که بر بسترهایی که آستر آنها از حریر سبزر است تکیه زده اند و میوه این دو باغ در دسترس است . در آنها دلبرانی فروهشته نگاهند که پیش از آنان هیچ انس و جنی به آنها دست نزده است . گویی آنان [ از شدت درخشندگی ] یاقوت و مرجانند... و غیر آن دو ، دو باغ دیگر هست . آن دو از شدت سرسبزی سیاه می نمایند . در آن دو ، دو چشمه همیشه جوشان است . در آن دو هر گونه میوه و درخت خرما و انار است .

در آنها دلبرانی نیکوسیرت و خوب صورت اند . حوریانی که در خیمه ها مستورند . که پیش از آنان هیچ انس و جنی به آنان دست نزده است . در حالی که بر بالش های سبز و فرش های فاخر و نیکو تکیه زده اند .

### ۴ . سوره واقعه آیات ۱۰ تا ۳۸

خلاصه اش چنین است :

و سبقت گیرندگان در همه کارهای خیر [ سبقت گیرندگان ] در گرفتن پاداشند . واقعاً مقرب خواهند بود . در باغ هایی پر از نعمت . بر تخت هایی گوهرنشان . تکیه زندگان بر آنها روبروی هم . پسرانی همواره نوجوان بر گردنشان می گردند . با تنگ ها و ابریق ها و پیمانه هایی از باده روان . که از آن نه سر درد می گیرند و نه عقلشان زایل می شود . و با هر نوع میوه که انتخاب کنند و گوشت پرندگان هر چه بخواهند . و حوریانی فراخ چشم ، همچون مروارید نهفته به سزای آنچه انجام می دادند . در آنجا نه بیهوده ای می شنوند و نه نسبت گناهی سخنان سراسر سلامت .

و دست راستی ها ، چه دست راستی هایی !! در [ زیر ] درختان سدر بی خار و درختان موز بر هم فشرده . و سایه های دائم ، با آبشارهای ریزان و میوه های فراوان که نه قطع شدنی است و نه از آن بازداشته می شوند و همسرانی بلند مرتبه ، ما آنان را با آفرینشی در خور

آفریده ایم، آنان را دوشیزه قرار داده ایم. و شوهر دوستانی همسان برای دست راستی ها. از چهار مورد آیه ای که نعمت های بهشتیان - اعم از تقوا پیشگان، سبقت گیرندگان دست راستی ها و کسانی که از مقام پروردگارشان می ترسند - را ذکر کرده بود، انواع و اقسام میوه ها و تخت ها و پارچه ها و زنان زیبا و پسران را ذکر کرده، ولی در سوره الرحمن که عروس قرآن است از پسران خبری نبود و اکنون روشن می شود که در سوره انسان که مورد بحث ما است از حور العین ذکری به میان نیامده است.

#### ۵. سوره انسان آیات ۵ تا ۲۲

بی تردید نیکان از پیمانہ ای می نوشند که آمیزه آن کافور است. چشمه ای که بندگان خدا با آن می شنوشند و آن را چنان که باید روان می سازند. آنانی به نذر خود وفا می کنند و از روزی که شرش فراگیر است می ترسند. و طعام را با این که دوست دارند به بینوا و یتیم و اسیر می دهند... و به سبب آن که صبر کردند باغی عظیم و لباسی از حریر پاداششان می دهد. در آنجا بر تخت ها تکیه می زنند، در حالی که نه آفتابی در آنجا می بینند و نه سرمای. و سایه های آن بر سرشان نزدیک است و [چیدن] میوه هایش به خوبی آسان گشته است و ظرف های سیمین و تنگ های بلورین بر آنان می گرداند. بلورهایی از نقره که آنان را چنان که باید اندازه گیری کرده اند و در آنجا پیمانہ ای که آمیزه اش زنجبیل است به آنان می نوشاند.

چشمه ای که در آنجاست و سلسبیل نامیده می شود و پسرانی همیشه جوان بر گردش می گردند که چون آنها را ببینی می پنداری مرواریدهایی پراکنده اند و چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ می بینی.

بر روی آنان جامه های سبز از دیبای نازک و دیبای سبتر است و با دستواره هایی سیمین زینت یافته اند و پروردگارشان شرابی پاک به آنان می نوشاند. [به آنان گفته می شود] این جزایی است برای شما و تلاش شما سپاسگذاری شده است.

پنج دسته آیاتی که نظیرشان را با این مقدار از توصیف پیرامون بهشت و نعمت های آن در قرآن وجود ندارد ذکر شد و معلوم شد که در چهار مورد ذکر تخت ها، حوریان بهشتی و... به طور کامل و گاهی با تأکید و تکرار بیان گشته است، اما تنها در یک مورد ذکری از حور العین به میان نیامده است و همین یک مورد مربوط به سوره ای است که در آن از نذر

حضرت زهرا(س) سخن به میان آمده است. طبیعتاً به ذهن انسان می آید که ذکر نشدن حورالعین به جهت احترام حضرت زهرا(س) بوده است.

حال اگر این مطلب به ذهن آمده بر اثر روایات و قول مفسران تقویت شود که حدّ اطمینان و یقین می رسد و گر نه مطلبی است ذوقی که از کنار هم گذاشتن آیات به دست آمده است.

در تفسیر روح المعانی آمده است:

و من اللطائف علی یقول بنزولها فیهم - انه سبحانه لم یذكر فیها الحور العین، ...  
ریحانة لحرمة الیقول و قرّة عین الرسول...؛ ۱۲

از امور لطیف و ریز آن است که خداوند سبحان در این سوره برای رعایت حریم های زهرا(س) بتول و روشنی چشم حضرت رسول، حورالعین را ذکر نکرد.

بله مقایسه بین این آیات و بین دسته های دیگر آیات، لطیفه هایی از کلام الهی را نصیب انسان می نماید که می تواند این یکی از آن موارد باشد.

۱. السیرة النبویة لابن هشام، ۴- ۳/ ۳۰۸، صلح حدیبیه را آخر سال ششم می داند.

۲. همان، جنگ احزاب را شوال سال پنجم می داند.

۳. الارشاد، شیخ مفید، ۵/ ۲.

۴. همان/ ۲۷.

۵. در تفسیر نمونه، ۲۵/ ۳۴۳ آمده است: (طبق برخی از روایات حسن و حسین(ع) نیز گفتند ما هم نذر می کنیم روزه بگیریم). بله اگر این دو طفل به گفتن ما هم نذر می کنیم اکتفا کرده باشند مسأله ای نیست. ولی عملاً این چنین نذری مشکلاتی دارد زیرا از جمله شرائط تکلیف، قدرت است و از شرائط نذر فرزند اجازه پدر و نذر این دو طفل دو سه ساله دارای هر دو مشکل.

۶. تفسیر القمی، ۲/ ۳۹۸.

۷. مجمع البیان، ۱۰- ۴۰۴/ ۹.

۸. الکشاف، ۴/ ۶۷۰.

۹. الدر المتثور، ۶/ ۲۹۹.

۱۰. التفسیر الکبیر، ۱۵/ ۲۴۵.

۱۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳، سوره حدید، آیه ۲۱.

۱۲. روح المعانی، ۱۶/ ۲۷۱.